

سال خدمت پیغمبر که در صلی الله علیه و سلم بود آن صلی الله علیه و سلم بمکه آمد و
 ده ساله بود وی آخرین کسی است که بصره وفات کرد از اصحاب
 رسول صلی الله علیه و سلم محمد بن سیرین و بر اغسل کرد و رسول صلی الله
 علیه و سلم و بر او عاگرد بکثره مال و ولد و طول حیات و معرفت وی گفته
 که در فضیلتی خشمی مای من هر سال و بار بر میبهد و از صلیب من
 صد فرزند و فرزند که با گفت صد و دو فرزند پیغمبر و آن آید است
 و جندان جنات یافتیم که مراجعات نام نهادند و آن چهارم را که حضرت
 امید واری با شمر و روی آید غمناک است و قبالت نامت این
 ماله و نلت سنین که قبیل و سیر سنین از روی آرنه که بزرگ روی و گفت
 یا با حصره زمینهای نوشته شده است و خصوصاً ساخت نماز گذارد و دعا
 کرد ابر باره پیدا شده و زمین و بر ایشید و بارید چند آنکه زمین بی بی
 و این در تابستان بود بعد از آن غلام خود را بر بستاد که به پند که بار
 تا گاهی رسیده است خبر آورد که از زمینهای تو در نگذاشته است
نوشته شده است وی گفته است که در سیر پیغمبر و آن آید که نگاه
 جاسوسان اعدا را دیدیم روی در که بر آوردیم پس یکی از اصحاب

مبلغند و بر سران

مبلغند و بر سران وی افتاد و روان وی خشم و انگشت چنانکه گوی
 و انهای خود را بود پس ما نوشتیم که در برابر چهار مای دیگر با یک چشم من
 بان در نداد و گفت مرا می کشید و بر اینکه شسته و مالکیت بگردد
 بر قیم نگاه از عقب رسید بای وی نیک شده چنانکه نظر کردیم
 بر بای وی بسج از بجز رحمت بنا فتم سیداشتی که سال بران گفته
 گفت ایتمده اید بر اسب سفید سوار دست بران من فرود آورد
 و فرمود که بخوان که فان تو انقل حبسی الله لا اله الا هو علیه تو
 و همور رب العرش العظيم حجت من روی بر آورد و نیک شتر
الداری رضی الله عنه وی در وقتی که رسول صلی الله علیه و سلم از تنوکه بازگشته
 بود با جماعتی در این آمد و اسلام آورد و از وی آرنه که در بدنه
 در حره الشی پیدا آمد در وقت خلافت سید رضی الله عنه پیش من
 داری آمد و گفت بر خیز لبسوی ان الشش رویم گفت یا ابراهیم من
 کیستم و من چیستم عرضی الله عنی چند ان جمله کرد که منم بر تو هست و هر
 دو لبسوی ان الشش روان شده را وی گوید که من نیز در عقب ایشان
 روان شدم منم را دیدم که بدست خود اشارت میکرد و انش را بر آن